Was bedeutet lassen?

written by مرتضی غلام نژاد | دسامبر 15, 2015

مفهوم lassen چیست ؟

lassen در فرهنگ لغت به معانی : گذاشتن ، مانع نشدن ، پذیرفتن ، تحمل کردن ، اجازه دادن ، امکان دادن ، صرف نظر کردن ، دست کشیدن و ... است

اما این فعل می تواند با افعال دیگر ما نیز ترکیب شده و معنی و مفهوم جدیدی به آنها بدهد.

در این درس میخواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به کاربرد lassen

قبل از هر چیز با هم صرف فعل lassen در زمان حال رو بررسی میکنیم.

ich lasse
du lässt
er/sie/es lässt
wir lassen
ihr lasst
sie/Sie lassen

استفاده از lassen به عنوان گذاشتن ، قرار دادن

زمانی که من میخواهم چیزی را در جایی بگذارم و یا قرار بدهم می توانم از آن استفاده کنم مانند :

Kann ich meinen Koffer hier lassen?

می تونم چمدانم را اینجا بگذارم ؟

استفاده از lassen به عنوان نگذاشتن یا اجازه ندادن ، مانع شدن

مثلا زمانی که من اجازه ندهم کسی تلویزیون ببیند یا اجازه ندهم کسی برود بیرون ، مانند :

Ich lasse mein Kind nicht fernsehen

نمیگذارم بچه ام تلویزیون ببیند.

یا اجازه نمیدهم بچه ام تلویزیون ببیند.

استفاده از lassen به عنوان ، اجازه دادن به کسی کاری یا چیزی را انجام بدهد.

Ich lasse meine Haare schneiden

میگذارم مو هایم را کوتاه کنند.

Ich lasse mein Auto reparieren

میگذارم ماشینم را تعمیر کنند.

Ich muss mein Auto reparieren lassen

باید بگذارم ماشینم را تعمیر کنند.

یا میدهم ماشینم را تعمیر کنند ، معمولا در فارسی اینگونه نیز گفته میشود.

چند مثال دیگر :

Du musst mich in Ruhe lassen

تو باید منرا راحت بگذاری

Lass mich in Ruhe

راحتم بگذار ، دست از سرم بر دار

Lassen Sie Ihre Tochter in die Disko gehen?

اجازه میدهید که دخترتان به دیسکو برود؟

Er lässt seinen Kaffe kochen

او اجازه میدهد قهوه اش آماده شود.

Ich lasse meine Schwere Tasche zu Hause

من آن کیف سنگینم را در خانه میگذرم.

Ich lasse mein Auto in der Werkstatt reparieren

میگذارم ماشینم را در آن مکانیکی تعمیرش کنند.

Ich lasse mein kleine Tochter nicht fernsehen

نمیگذارم دختر کوچکم تلویزیون ببیند.

Kann ich meinen Koffer am Flughafen lassen?

می توانم چمدانم را در فرودگاه بگذارم ؟

Ich muss meine Haare schneiden lassen

باید بگذارم موهایم را کوتاه کنند.

باید بدهم موهایم را کوتاه کنند.

Lass mich gehen

بگذار بروم ، بذار برم.

Lass mich schlafen

بگذار بخوابم ، بذار بخوابم.

Lass mich essen

بگذار غذا بخورم . بذار غذام رو بخورم.

Wir haben den Vogel fliegen lassen

ما گذاشتیم آن پرنده پرواز کند.

به این معنی که پرنده ای را رها کردیم

اما آخرین نکته از این درس ، استفاده از lassen در زمان گذشته کامل است.

چنانچه ما فقط از خود lassen بخواهیم استفاده کنیم مانند این جمله :

Ich habe meinen Koffer hier gelassen

من چمدانم را اینجا گذاشته ام

از آنجایی که خود lassen به تنهایی در جمله آمده همانند افعال دیگه زمان گذشته کامل آن ساخته می شود اما زمانی است که با افعال دیگه ترکیب می شود که می بایستی برای ساخت آن اینگونه عمل کنیم.

Ich habe mein Auto reparieren lassen

گذاشتم ماشینم را تعمیر کنند. یا اینکه در فارسی میگیم : دادم ماشینم را تعمیر کردند

از فعل haben به عنوان سازنده زمان گذشته کامل استفاده می کنیم سپس در انتهایی جمله اول زمان حال فعل جمله و پس از آن lassen می آید.

چند مثال دیگر :

Ich habe mein Kind fernsehen lassen

گذاشتم بچه ام تلویزیون ببیند.

Ich habe meine Harre schneiden lassen

گذاشتم مو هایم را کوتاه کنند.

یا در فارسی : دادم موهایم را کوتاه کردند.

چنانچه در ارتباط با این مطلب ، سوال ، نظر و یا توضیحاتی دارید ، می توانید آنرا در بخش نظرات اضافه کنید.

موفق باشید.